

## انعکاس آیین‌ها و رفتارهای دینی و مذهبی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفویه

دکتر محمد رستمی

استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز نجف آباد

[rostamipnu@yahoo.com](mailto:rostamipnu@yahoo.com)

دکتر ساسان طهماسبی

ستاد دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز شهرضا

مریم بیدرام گرگابی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوران اسلامی دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۵)

## چکیده

سفرنامه‌های اروپایی‌ها بخش قابل توجهی از منابع دوره صفویه را تشکیل می‌دهند و در آنها اطلاعات با ارزشی در مورد مسائل مختلف آن دوره از جمله در مورد دین و فرهنگ دینی یافت می‌شود. فرایض دینی و احکام فقهی یکی از مهمترین موضوعاتی هستند که مورد توجه اغلب سیاحان این دوره قرار گرفته‌اند. اما در مجموع اطلاعات و نظرات آنها در این مورد ناقص و سطحی است. اعیاد مذهبی آن دوره مانند عید غدیر، عید فطر و عید قربان در اغلب سفرنامه‌ها بازتاب داشته است. هرچند نوشته‌های آنها فقط در مورد عید قربان و مراسم‌هایی مانند قربانی شتر به شکل گسترده قابل توجه است و نوشته‌های آنها در مورد سایر اعیاد ناقص و مبهم است. یادداشت‌های سیاحان در مورد سوگواری‌ها مخصوصاً عزاداری‌های ماه محرم جالب توجه هستند و اطلاعاتی در اختیار ما قرار می‌دهند که در سایر منابع دیده نمی‌شود. نوشته‌های سیاحان در مورد مسائلی مانند دعانویسی، طلسم، مهدویت و جایگاه قدسی گونه، پادشاهان صفوی در بسیاری از موارد منحصر به فرد و ذیقیمت محسوب می‌شوند. تشکیلات دینی، نهاد روحانیت و رابطه دین و سیاست نیز بازتاب قابل توجهی در سفرنامه‌ها داشته است و یادداشت‌های برخی از سیاحان در این مورد در زمره اطلاعات موثق و با ارزش تلقی می‌شود و مکمل نوشته‌های منابع ایرانی می‌باشند. از لحاظ نوع نگرش باید گفت پیشینه خانوادگی، شدت و ضعف باورهای مذهبی، سطح دانش و طول اقامت سیاحان در ایران با کیفیت و کمیت یادداشت‌های آنها در مورد دین و فرهنگ دینی دوره صفوی ارتباط مستقیمی داشت. بنابراین در هنگام استناد به اطلاعات موجود در سفرنامه‌ها باید این مسائل توجه داشت.

واژگان کلیدی: سیاحان، سفرنامه، ایران، دوره صفوی، دین، فرهنگ دینی.

## مقدمه

در دوره صفوی با گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا تعداد قابل توجهی اروپایی در کسوت فرستاده سیاسی، بازرگان و یا ماجراجو راهی ایران شدند. تعدادی از این سیاحان، مشاهدات خود را به رشته تحریر در آوردند. این یادداشت ها و نوشته ها که سفرنامه نامیده می شوند در قیاس با سایر منابع از بسیاری از جهات متمایز و متفاوت هستند.

مهمترین تفاوت سفرنامه های اروپایی ها و کتب تاریخ نگاری ایرانی در محتوا و نحوه ی نگرش آنها به مسائل جامعه است. در حالی که کتب تاریخ نگاری بر مسائل و تحولات سیاسی و نظامی تمرکز دارند، بخش اعظم نوشته های سفرنامه ها به مسائل اجتماعی، اقتصادی و دینی اختصاص دارند و از این جهت مکمل کتب تاریخ نگاری هستند که در آنها به ندرت و به صورت جسته و گریخته به این مسائل پرداخته شده است.

دین یکی از مهمترین مباحثی است که مورد توجه اغلب سیاحان اروپایی قرر گرفته است. در سفرنامه های آنها مطالب جالب توجهی در معرفی دین اسلام و مذهب تشیع، آیین ها، احکام و رفتارهای دینی ایرانی ها در این دوره دیده می شود. این مشاهدات و نظرات نه تنها اطلاعات با ارزشی در مورد این مباحث در اختیار ما قرار می دهند، بلکه نشان دهنده ی نگرش اروپایی ها به دین و جامعه دینی ایران در آن دوره می باشد.

## بیان مسأله

سفرنامه های اروپایی ها یکی از منابع با ارزش دوره صفویه می باشند و در بر دارنده ی اطلاعات با ارزشی در مورد مسائل مختلف آن دوره از جمله در مورد دین و جامعه دینی ایران هستند. نوشته ها و یادداشت های آنها نه تنها به عنوان منبعی از اطلاعات تلقی می شوند بلکه نشان دهنده ی نگرش اروپایی ها به دین اسلام، مذهب تشیع و ویژگی های جامعه دینی ایران دوره صفوی هستند. البته با توجه به اینکه نویسنده های سفرنامه ها از نظر نگرش دینی، سطح سواد و آشنایی با فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان فارسی در سطح یکسانی نبودند، یادداشت های آنها هم از بسیاری جهات متفاوت هستند که این موضوع نیز در جای خود شایان بررسی است و با توجه به آن می توان دین و مسائل مختلف آن را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد.

با توجه به سهمی که نوشته های سفرنامه ها در پژوهش های مربوط به دوره صفویه دارند و اهمیت دین در آن دوره مسأله اصلی این پژوهش این است که دین، رفتارهای دینی، احکام، مناسک دینی و سایر مولفه های تشکیل دهنده جامعه دینی دوره صفوی چه بازتابی در سفرنامه ها داشتند و نگرش سیاحان اروپایی به این مباحث چگونه بود.

## اهداف تحقیق

بررسی بازتاب دین و فرهنگ دینی دوره صفوی در سفرنامه‌ها.  
بررسی نگرش سیاحان اروپایی به دین و فرهنگ دینی دوره صفوی.

## فرائض و احکام دینی

## نماز

تکاندر فن دریابل، سیاح آلمانی، به گفتن اذان در سه وقت، پیش از طلوع آفتاب، هنگام ظهر و موقع غروب آفتاب اشاره کرده است. شاید او کامل‌ترین مطالب را در زمینه وضو و آداب نماز نسبت به سیاحان دیگر بیان کرده است. وی به بخش‌های زنانه و مردانه مساجد نیز اشاره کرده و فراهایی از اذان مانند الله اکبر و لاله الا الله را گزارش کرده و وضوی مسلمانان در حوض‌های دارای فواره مساجد را نیز دیده است. او می‌گوید مسلمانان موقع ورود به مسجد کفش‌ها را در می‌آورند و استفاده از مهر نماز توسط ایرانیان را با عنوان یک قطعه سنگ قهوه‌ای هشت گوش شبیه به مرم‌ر یاد کرده است (فن در یابل، ۱۳۵۱، ص ۵۸-۵۷). از اینجا مشخص می‌شود که وی مهر را که از خاک تهیه شده سنگ فرض کرده و آن را شخصاً لمس نکرده است. شاید اجازه لمس مهر به وی داده نشده باشد.

اولتاریوس سیاح آلمانی شکل مهر را در سفر نامه خود آورده و آن را از خاک نجف و کوفه دانسته

که امام علی (ع) و امام حسین در آنجا شهید شده‌اند (اولتاریوس، ۱۳۷۹، ج ۲ ص ۷۶۰).

وضو گرفتن در سفرنامه‌ها، شستن سر و دست، بازو و صورت با آب جاری یا آب حوض منازل معرفی شده است (سفرنامه برادران شرلی، ۱۳۶۲، ص ۵۳؛ کارری، ۱۳۴۸، ص ۱۴۳). جان فرایر<sup>۱</sup> سیاح انگلیسی به منبع آبی در وسط ساختمان مسجد اصفهان اشاره کرده و می‌گوید این منبع آب برای وضو گرفتن است و مردم معتقدند این کار گناهان و پلیدیها را از بدن پاک می‌گرداند (fryer, 1909.p:133). کاتف فلسفه وضو را به روشنی بیان کرده و می‌نویسد، وقتی مسلمانان بخواهند عبادت کنند طهارت کرده و دست‌ها را تا آرنج می‌شویند (کاتف، ۱۳۵۶، ص ۹۹).

نماز و کیفیت آداب گزاردن آن مطلبی است که بیشتر سفرنامه نویسان بسیار مختصر و گذرا بدان پرداخته‌اند. شاید عللی چند باعث عدم توجه آنان به این موضوع شده است. به عنوان مثال نوع ماموریت آنان که اکثراً تجاری و سیاسی بود، موجب عدم توجه آنان به فرائض دینی جامعه آن روز ایران بود یا در برخی از دوره‌ها محدودیت‌هایی برای حضور مسیحیان در اجتماع مسلمانان وجود داشته است یا فرهنگ متفاوت آنان با جامعه ایرانی فرصت درک نماز را به آنان نداده است و این موضوع را در لابلای مطالب دیگر آورده و مانند یک موضوع حاشیه ای با آن برخورد کرده‌اند.

<sup>۱</sup> John fryer

## روزه

برای مدتی مانع سفر حج برای مدتی شد. اگر کسی اصرار در انجام حج داشت میبایست مبلغ کلانی به شاه پردازد. بدین سبب ایرانیان را متوجه زیارت مشهد و قم کرد، گرچه عموم مردم از ممنوعیت انجام حج ناراضی بودند (میر احمدی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸).

سفرنامه نویسان در بیان فلسفه روزه و نحوه اجرای آن توسط مسلمانان دچار اشتباهاتی مانند دیگر موارد شده اند. شاردن، نهمین ماه قمری را رمضان به معنای گرمایی شدید ذکر کرده و معتقد است که چون مسلمانان در این ماه از ازدواج خوداری می کنند به آن ماه صیام می گویند (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۴۲). او مفهوم عبارت عربی صیام را، که به معنی روزه است، درک نکرده است، درحالی که علت عدم برگزاری مراسم ازدواج در این ماه آن است که با زبان روزه جشن های عروسی، که با خوردن و آشامیدن همراه است، امکان پذیر نبود.

## احکام فقهی

ثبت موضوع مربوط به قوانین فقهی رایج در زمان صفویه که توسط سیاحان انجام گرفته تقریباً مشابه است و تفاوت آنها اغلب در تفضیل یا تخیل موضوع به چشم می خورد. اولین موضوع فقهی که مطالب نسبتاً زیادی را در سفرنامه ها به خود اختصاص داده است مسئله ی محرمات و افعالی است که فرد مسلمان شیعه از انجام آن منع شده است. این گونه افعال در برخی موارد گستره ی وسیعی را تحت پوشش قرار می دهد و نوع ارتباط مردم با خارجی ها نیز متأثر از آن است.

## حج

مسأله حج: در زمینه این موضوع به عنوان عبادت اجتماعی در سفرنامه ها مطلب چندانی نیامده است در مواردی که از این موضوع یاد شده مربوط به افرادی است که به زیارت خانه خدا رفته و اصطلاحاً حاجی محسوب می شوند و گفته اند آنان در رعایت محرمات شرعی بسیار مقید بودند و بویژه از آشامیدن شراب امتناع داشتند.

## حرمت شراب

در دوره صفوی حرمت شراب در دو سطح عمومی و خواص به چشم می خورد. حرمت عمومی آن در بین کلیه اقشار جامعه بود که از نظر شرعی تهیه، خرید و فروش آن تحریم شده بود ولی این منع مانع استفاده آن در جامعه نبود بطوریکه استفاده از مشروبات الکلی در بین خواص جامعه آن روز را می توان با استفاده از چای و قهوه در

کروسینسکی کشیش لهستانی به تعطیلی سفر حج در زمان شاه عباس اول اشاره کرده است (کروسینسکی، ۱۳۵۳، ص ۲۵). این موضوع واقعیت دارد که جهت جلوگیری از خروج پول نقد از ایران و صرفه های اقتصادی دیگر شاه عباس یکم

نمی‌تواند حضور داشته باشد و در صورت شکایت از وی مجازات او شدید خواهد بود". (اولثاریوس، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۵۳؛ تاورنیه، ۱۳۳۶، ص ۲۷۲).

### قمار

قمار یکی دیگر از مسائل ممنوع شرعی است. به نوشته شاردن بر اساس فقه اسلامی چنانچه در یک بازی یک نفر بازنده و دیگری برنده شود و در این کار مسائل اقتصادی نیز دخیل باشد، این درآمد غیرشرعی و حرام است. در این زمینه برخی از مجتهدان رأی بر مشروعیت این عمل قمار در صورت عدم برد و باخت داده اند (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۳۲۶). ارتباط مسلمان با غیر مسلمان تابع مقرراتی بود که برخی از این موارد در سفرنامه‌ها منعکس شده است. اجتناب از هم غذایی با غیر مسلمانان تا جلوگیری از طبابت مسلمان توسط غیرمسلمان و عدم سکونت در محله مسیحیان را دربرمی گرفت. شاردن معتقد است که چون دین اسلام با ادیان دیگر مخالف است و چون هر ملتی اخلاق و رفتارشان متناسب با دین و آیین آن ملت است به همین دلیل مسلمانان دشمنی سختی نسبت به پیروان مذاهب دیگر دارند و جان و مال آنها را حلال می‌دانند و برای دیگران حتی حق زندگی قائل نیستند (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۵۹۳). شاردن در برخی موارد به تناقض گویی پرداخته است. خود او در جای دیگر رفتار

ایران امروز مقایسه کرد و به همین علت در بیشتر شهرهای ایران شراب با کیفیت بالا بعمل می‌آمد (اولثاریوس، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۵۲).

در میان عموم مردم حتی نام بردن از شراب کار بسیار ناشایسته‌ای بود، این تحریم به حدی است که حتی به ساربان اجازه حمل شراب با شتر را نمی‌دادند. تاورنیه در این مورد می‌نویسد: " آنها معتقد بودند که شتر متعلق به پیامبر است و نباید شراب را که از طرف پیامبر منع شده بار شتر کرد. به همین علت در مسافرتها شراب را بار حیوان دیگری می‌کردند" (تاورنیه، ۱۳۳۶، ص ۱۲۴).

### ربا خواری

موضوع ربا از مسائلی است که فقه اسلامی احکام معینی درباره آن دارد و آن عبارت از بهره‌ای است که در قبال واگذاری پول به فردی در مدت معین از وی گرفته می‌شود. در فقه اسلامی این مسئله جزء محرمات محسوب می‌شود. این موضوع برای سیاحان که آشنا به مسائل تجاری آن روز بودند جالب توجه بود. مثلاً اولثاریوس نمونه‌ای ذکر کرده که در اردبیل یک رباخوار، که سود زیادی از مردم می‌گرفت، با شدت بسیار مجازات شد بطوری که پس از دستگیری اقدام به شکستن دندان‌های مجرم با چکش کردند. به گفته وی در قوانین ایران این موضوع منع شده و معمولاً افراد ربا را پنهانی می‌گیرند و اگر موضوع فاش شود رباخوار به منزله یک یهودی تلقی شده و در مجالس

ایرانیان نسبت به ادیان دیگر را ستوده است (همان، ج ۲، ص ۸۴۶).

در سفرنامه ها مجازات مجرمین بسته به نوع جرم بسیار سنگین گزارش شده است. ارتداد از جمله جرم هایی بود که مجازات سختی داشت. در سال ۱۶۲۱م/۱۰۳۰ق در شهر شیراز یک تازه مسیحی را در پوست خر دوختند و به چهار نعل کشیدند. مدتی بعد دو نفر مسلمان را که در اثر تبلیغات فرقه های مختلف به مسیحیت گرویده بودند سنگ سار کردند و در آتش سوزاندند (سانسون، ۱۳۴۷، ص ۲۱۳).

#### اعیاد و مراسم های مذهبی

##### جشن های مذهبی

سفرنامه نویسان عصر صفوی در سفرنامه خود به برخی از رسم ها و آیین های موجود در جامعه پرداخته اند. این فصل به بررسی دیدگاه آنان در این مورد می پردازد:

جشن های مذهبی جشن هایی است که مناسبت دینی و مذهبی دارد مانند جشن ها و اعیاد دینی از قبیل عید فطر، عید قربان و غدیر که از اعیاد مهم دینی به شمار می روند. جشن های دیگری نیز که به مناسبت های مختلف وجود دارند. مثل میلاد امامان دوازده گانه شیعه (ع) یا میلاد پیامبر اسلام (ص). آنچه که در این بخش مورد نظر است، بررسی اعیاد سه گانه از دیدگاه سفرنامه های عصر

صفوی است. به این دلیل که، این سه عید بیشتر در سفرنامه ذکر شده اند.

#### سوگواری های مذهبی

##### عزا داری های ماه محرم

با روی کار آمدن صفویان و رسمیت یافتن تشیع در آن دوران، آیین ها و رسم های مربوط به شهادت امام حسین و امامان دیگر در سطح گسترده در سراسر ایران برپا می گشت و حاکمیت صفوی نیز خود به علل مختلف در ترویج و برگزاری سوگواری های مذهبی کوشش فراوان داشت. خواندن کتاب «روضه الشهدا» تألیف کاشفی در دوران صفویان باب شد و به تدریج به روضه خوانی شهرت پیدا کرد. برخی از سفرنامه نویسان از کتابی به نام سرگذشت امام حسین و یارانش نام برده اند که احتمال بسیار دارد همین کتاب باشد (کمپفر، ۳۶۳، ص ۱۸۱).

موضوع سوگواری های مذهبی در سفرنامه ها، تاسوعا و عاشورا، شهادت امام حسین و یارانش در دهه اول محرم و نیز ۲۱ ماه رمضان یعنی روز شهادت امام علی مطرح شده و سیاحان که از نزدیک آن مراسم را دیده اند به تفصیل آن را شرح داده و علاوه بر اصل عزاداری، آئین هایی را که در آن دوره در عزاداری مرسوم بوده ذکر کرده اند. از یادداشت های شاردن و اولتاریوس، اولتاریوس اطلاعات دقیق تری نسبت به واقعه عاشورا دارد و این احتمال را قوت می بخشد که

سپس شرکت کنندگان به شکل دسته‌های عزاداری به سمت خیابان های شهر می رفتند. تصویری که اولتاریوس و دلاواله از این مراسم داده اند تصویر نزدیک به واقعیت است. هرچند دلاواله در ابتدای گزارش مراسم آن را ناچیز و کم اهمیت دانسته است. این سیاح متعصب که جز مذهب خود هیچ مذهبی حتی مذاهب مسیحیت را قبول ندارد طبیعی است که در مورد رفتارهای دینی مردم این گونه به قضاوت بنشیند. اولتاریوس که سیاحی دقیق و آگاه است، مراسم را بدون تعصب گزارش کرده و تصویر روشنی از آن به خواننده داده است.

### سوگواریهای شخصی

سیاحان درباره ی این موضوع بیشتر به مراسم درباریان خصوصاً شاه و افراد متشخص پرداخته اند و در این مورد تشریفات و تجملاتی را که وجود داشت بصورت جزئی و کلی توضیح داده اند. ولی آنچه که مورد توجه است، انجام برخی از مراسمی است که بین عزاداری مذهبی و این دسته از عزاداریها مشترک است. مثلاً در طول مسیر تشییع جنازه شاه، روستائیان که به استقبال می آمدند برای نشان دادن نهایت تأثر خودگاهی تن خود را نیز زخمی می زدند (کاری، ۱۳۴۸، ص ۹۴). دلاواله مراسم تشییع جنازه ای را شرح می دهد که مانند عزاداری های مذهبی پیشاپیش جنازه نیزه و بیرق هایی یعنی علم هایی حمل می کردند و تعداد

وی کتابهای موجود در زمینه عاشورا را مطالعه کرده و از وجود افراد مطلع استفاده کرده است. چنانکه خود به ارتباط خویش با فرد روحانی تصریح کرده که مدت ها زبان عربی را از او آموزش دیده است.

کاری در شرح عزاداری عاشورا دچار اشتباهات آشکاری در تاریخ این واقعه شده است. وی این مراسم را به مناسبت شهادت حسن و حسین فرزندان علی دانسته و شهادت آنها را در بغداد به دست عمر ذکر کرده است (کاری، ۱۳۴۸، ص ۱۲۵).

### مراسم بیست و یکم ماه رمضان

این مراسم که از شب نوزده ماه رمضان شروع و تا بیست و سوم رمضان ادامه می یابد به مناسبت ضربت خوردن امام علی «ع» و شهادت ایشان در میان شیعیان برگزار می شود. از محتوای گزارش سفرنامه دلاواله برمی آید که در دوره صفوی این مراسم در اصفهان به شکل دسته های عزاداری برگزار می شد (دلاواله، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۲۱ و ۵۲۰). شاه در جمع یکی از دسته ها در این مراسم شرکت می کرد. اولتاریوس این مراسم را در رشت و شماخی دیده و آن را با شرح بیشتری نوشته است؛ مقتل خوانی، تابوت گردانی، نخل گردانی و شکل ابتدائی از تعزیه گردانی رسم هایی است که در این مراسم شرح داده شده است، این مراسم ابتدا در محل ثابتی انجام شده و

شدند موقع عصر آتشی بر پشت بام روشن می کردند تا همسایگان با دیدن آن برای شفای بیماری دست به دعا بردارند (کارری، ۱۳۴۸، ص ۱۵۰).

در برخی موارد زنان به کلیسای مسیحیان روی می آوردند. این مسأله در موارد نازائی بیشتر صادق بود. شاردن در این خصوص نیز به تشریح رفتار مردم در آن عصر پرداخته است. وی می گوید بیماران برای شفا یافتن به روحانیت متوسل می شوند و اگر از آنان ناامید شوند به روحانیان ادیان دیگر مانند مسیحیان و یهودیان و حتی هندیان مراجعه می کنند. او از اینکه روحانیون مسیحی برای معالجه بیماران مسلمان انجیل می خوانند ناخرسند است و از آنان انتقاد می کند که چطور برای مسلمانان که مسیحیت را مردود می دانند بخاطر گرفتن هدیه چنین کاری انجام می دهند (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۶۲).

باتوجه به مطالبی که عنوان شد بدیهی به نظر می رسد که شاردن برای تحریر سفرنامه خویش از کتب حدیث، تفسیر علاوه بر شنیده ها و دیده های خویش استفاده کرده باشد. کتاب هایی مثل بحار الانوار و حلیقه المتقین که هر چند در اواخر دوره صفویه به رشته تحریر درآمده ولی محتوای آنها مطالبی است که در بین مردم و کتاب های پیشین رایج و موجود بوده است (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۷).

این بیرق ها بنا بر مقام و منزلت متوفی کمتر یا بیشتر بوده است. اسب های متوفی را نیز مثل مراسم ۲۱ رمضان در مراسم شرکت می دادند. نوکرها و مستخدمین متوفی که متأثر بودند زخم های متعددی در نقاط مختلف بازوانشان داشتند. زخم هایی چنان عمیق که خون از تمامی اطراف بدنشان جاری بود. دلواله این را عادت بت پرستان تمام ادوار تاریخ دانسته است.

همانطور که ملاحظه می کنیم اشتراکات مراسم محرم با عزاداری برای درگذشتگان نشانگر تاثیرپذیری اینگونه از فرهنگ دینی است و همانطور که می توان مراسم عزاداری های مذهبی را متأثر از فرهنگ سنتی جامعه ایرانی دانست. خوردنی و جاری کردن خون از بدن، حمل علم و کتل از جمله اشتراکات این مراسم است.

#### دعا

شاردن اخلاق ایرانیان را از این جهت که دعا و ذکر همه افراد جامعه بشری را در درگاه خداوند پذیرفته می دانند و در مواقع گرفتاری و بیماری ها و نگرانی های دیگر مقدسات و پیشوایان بر حق مذاهب و ادیان دیگر را یاد می کنند و از آنها در دفع گرفتاری خود یاری می خواهند ستوده است (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۶۳).

در جامعه آن روز رسم هایی وجود داشته از این قبیل که در هنگام بیماری سخت و صعب العلاج که اطرافیان بیماران از معالجه ناامید می



### مهدویت

اعتقاد به غیبت و ظهور امام مهدی از موضوعاتی است که مورد توجه سیاحان و نویسندگان سفرنامه‌ها قرار گرفته است. میکله ممبره می نویسد: "شاه یک خواهر در خانه اش دارد که نمی خواهد ازدواج کند، زیرا می گوید او را نگه می دارد تا زن مهدی بشود. این مهدی (عج) نواده علی (ع) و محمد (ص) است. شاه می گوید که از خواهرش در روی زمین که جایگاه راستین محمد (ص) است مراقبت می کند. او یک اسب سفید هم دارد که برای مهدی (عج) نگه داشته است. این اسب یک پالان مخملی سرخ رنگ و نعل های نقره و بعضی اوقات طلای ناب دارد. هیچ کس سوار این اسب نمی شود و همیشه آن را در جلوی بقیه اسب های شاه قرار می دهند". (ممبره، ۱۳۹۳، ص ۲۳).

می شنیدند با چه فصاحت و بلاغت با به کار بردن هزار اصطلاح نغز و دلنشین که هرگز نشنوده بودند با آنان سخن می گفت در شگفت ماندند و پیغمبر «ص» به آنان می فرمود این زبان را به همان زیبایی و دلپسندی که اسماعیل تکلم می کرد خدا به او آموخته است» (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۵۱).

جایگاه قرآن در بین مسلمانان را شاردن با بیانی شیوا به درستی توضیح داده است. اینکه عموم مسلمانان قرآن را مظهر کمال فصاحت و بلاغت می دانند و به این اعتقاد دارند که در این کتاب آسمانی از نظر صرف و نحو هیچ اشتباهی وجود ندارد و می تواند از این جهت و جهات دیگر سرمشق و راهنمایی کامل باشد و معتقدند که هیچ دانشمندی حتی اگر مسلط بر متون مختلف باشد هرگز نمی تواند به فصاحت و بلاغت قرآن کلامی گفته یا بنویسد (همان، ص ۹۵۲).

### جایگاه دینی پادشاه

با رسمیت بخشی به مذهب تشیع بار دیگر حق الهی شاهان همانند دوره های پیش از اسلام مطرح شد وظل ... بودن شاهان علاوه بر موارد دیگری که صفویان قدرت خود را برآن استوار کردند از ادعاهایی بود که حاکمان صفوی بر آن تأکید کردند. نظریه کاریزمای رهبر که به عنوان مرشد کامل نیز مطرح بود صورت عینی به خود گرفت و با ادعای نیابت امام غایب مثلث دینی

### قرآن

قران به لحاظ اعجاز و نیز تقدسی که در بین مسلمانان دارد در سفرنامه‌ها یاد شده است. شاردن همانطور که ذکر شد در زمینه های مختلف از آثار نویسندگان ایرانی استفاده کرده است. در این زمینه عبارتی که آورده نشانگر استفاده وی از منابع موجود در جامعه عصر صفوی است:

«آورده اند که مقارن ظهور اسلام وقتی پیامبر (ص) سخن گفتن آغاز کرد و اعراب

قدرت سیاسی صفویان تکمیل گردید (سیوری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶ و ۱۸۶-۱۸۵).

اعلام رسمیت بخشی به تشیع در حکومت صفویان توسط شاه اسماعیل اول چنین می نمود که حکومت جدید برپایه فقه جعفری بنا شده باشد، ولی قائل شدن جایگاه خدائی برای اسماعیل جایی در تشیع مبتنی بر فقه جعفری نداشت و نشانگر رسوخ اعتقادات غالی گری در افکار حکومتگران صفوی است. این همان رابطه مرید و مرادی بود که در سطح بالاتر به پذیرش رهبر به عنوان خدا انجامید (همان، ص ۱۷۱).

یکی از علل اطاعت محض ایدئولوژی و نظامی از اسماعیل توسط اطرافیان را می توان در پیروزی های نظامی و موفقیت های او دانست که قبل از جنگ چالدران برای او در تمامی میداین نبرد اتفاق می افتاد.

این فکر که شاه یا رهبر به جای خدا مورد پرستش پیروان خود قرار گیرد در نهضت صفوی به وجود آمد. و با شکست اسماعیل اول در چالدران به شکست انجامید و از زمان طهماسب یکم به بعد به سیادت این خاندان بدل شد. این موضوعی است که پژوهشگران دوره صفوی بدان پرداخته اند.

#### اهمیت سیادت و ادعاهای پادشاهان صفوی

ادعای سیادت حاکمان صفوی سبب گردید که براهمیت این موضوع در آن عصر افزوده گردد. ایرانیان که از همان ابتدای پذیرش دین اسلام

نسبت به خاندان پیامبر ابراز ارادت می کردند و در احترام آنها کوشا بودند با روی کار آمدن صفویان و ادعای انتساب به پیامبر احترام سادات در جامعه گسترش بیشتری یافت به طوری که عده ای شجره نامه های بی اساس برای خود جعل کرده و با ارائه آن در شهرها و مناطق از مردم پول و صدقه می گرفتند. به گفته اولتاریوس این افراد به خر سید معروف بودند و برخی از خر سیدها قوطی های نقره ای با خود داشتند که ادعا می کردند دسته های موی داخل آن متعلق به پیامبر اسلام است که به آنها ارث رسیده است آن موها را به قیمت گزافی به مردم به عنوان تبرک می فروختند (اولتاریوس، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳-۷۶۲).

اولتاریوس سید های واقعی را درکشور دارای موقعیت ویژه دانسته که لباس های مخصوصی به تن می کردند و ملزم به رعایت قوانین و مقرراتی خاص بودند. به عنوان مثال آنان نباید با افراد غیر سید ازدواج می کردند چون سادات معافیت مالیاتی داشتند و در صورت وصلت با غیر خود عده معاف شدگان از مالیات باعث خسارت به خزانه شاهی می شد. ساداتی که در شهرها حضور داشتند از وضعیت مالی بهتری برخوردار بودند (همان، ص ۷۶۴-۷۶۳). برخلاف نوشته اولتاریوس، شاردن بیشتر سیدها را «بی چیز و بی کاره» نوشته است (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴ ص ۱۵۱۳). شاید اختلاف نظر آن دو در این زمینه به زمان حضور آنها در ایران برگردد.

## شاه و محرمات

توجه به اموراتی که در اسلام به عنوان کار حرام شمرده شده‌اند در سفرنامه‌ها جایگاه ویژه‌ای یافته است. جایگاه فعل حرام و نحوه مجازات متهمان در موارد مختلف متفاوت است و در برخی موارد برخورد با نقض قوانین شرعی در دوره هر یک از پادشاهان نیز متغیر است و بستگی به نظر شاه دارد. در سفرنامه برادران شرلی آمده که شادی و خوشحالی شاه عباس اول باعث می‌شد که استعمال شراب برای عموم مردم تا مدت معینی مثلاً سه روز آزاد شود و این موضوع توسط جارچی به آگاهی مردم می‌رسید و شاه پس از آن با گردش در شهرشادی و عیش مردم را تماشا می‌کرد بلافاصله پس از سپری شدن آن مدت اگر ماموران حکومتی فردی را در حال نوشیدن شراب می‌دیدند مجازات می‌کردند (فلسفی، ۱۳۴۳، ص ۶۵۳).

علاوه بر اقدامات یاد شده مجالس می‌گساری شاه عباس در سفرنامه دلواله به تفصیل آمده است. یا اولئاریوس از ارسال بهترین شراب های هر حوزه حکمرانی حکام به شاه عباس خبر داده از میان آنها شراب شیراز و گرجستان را مرغوب ترین نوع آن دانسته و می‌گوید که از تفلیس شراب زیادی برای مجلس شاه به اصفهان فرستاده می‌شد (اولئاریوس، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۱). به نوشته مولف کتاب زندگانی شاه عباس، علاقه این شاه به شراب باعث شد که یکی از طبیبان معروف زمان خودش به نام قاضی را مامور کند که کتابی در

در سفرنامه برادران شرلی نظرات متضادی در خصوص سادات بیان شده است. مولف از یک سو آنها را مورد احترام همگان دانسته که هر یک از آنان در جامعه برابر با هفت نفر از افراد معمولی است (سفرنامه برادران شرلی، ۱۳۶۲، ص ۵۲).

در جای دیگر این سفرنامه آمده است: " در هر شهری از بلاد ایران هر روز شخصی دیده می‌شود که تبری بر دوش گذاشته در کوچه‌ها گردش می‌کند و به صدای بلند می‌گوید اگر شخصی منسوبان پیغمبر را تفوقی بر سایرین دهد یا اگر کسی اظهار سیادت نماید سراو فوراً بریده خواهد شد. من به چشم خود دیدم که در اصفهان یک نفر عثمانی پیش تبردار آمده و گفت من از منسوبین محمد هستم و به شهادت خود راضی. این را گفته به زانو افتاد و سر خود را بر روی قطعه سنگی گذاشت و آن شخص بلا تأمل سر او را برید" (همان، ص ۹۲).

از مطالب این سفرنامه چنین برمی‌آید که موضوع عنوان شده یا احتمالاً مربوط به رواج و گسترش بیش از حد ادعای سیادت در جامعه عصر صفوی است که حکومت دنبال محدود کردن آن و جلوگیری از سوء استفاده از این موقعیت بوده است یا مربوط به تشدید اختلاف شیعه و سنی در زمان شاه عباس اول می‌باشد.

### روحانیت و تشکیلات دینی

#### ارتباط روحانیت و حکومت

با روی کار آمدن سلسله صفوی و به تدریج نهادینه شدن نهضت صفوی نیاز به ترویج آرا و افکار تشیع روز به روز بیشتر احساس می شد. این احساس نیاز حکومتگران صفوی را بر آن داشت که از عالمان و مجتهدان شیعی جهت استقرار قلمرو خویش دعوت بعمل آوردند. منطقه جبل عامل از مناطقی است که علمای شیعه از آنجا به ایران مهاجرت کردند و نقش های مهمی در حکومت سلسله صفوی به عهده گرفتند.

تا قبل از روی کار آمدن صفویان موضوع همکاری و عدم همکاری علما با حکومت ستمگر موضوعی مطرح در کتاب های فقهی دینی بود و در دوره هایی مثل آل بویه که برخی از علما با حاکمان شیعی مذهب همکاری داشتند. فتواهایی از علمای معروف وجود داشت که همکاری و عدم همکاری را به مقتضای زمان تبیین می کرد. با تأسیس صفوی این موضوع به علت رسمیت یافتن تشیع در ایران از نو و در سطحی گسترده طرح گردید. در وضعیت جدید عالمان شیعه سه نوع رویکرد با حاکمیت صفوی داشتند:

الف) دسته ای از آنان با حکومت همکاری کرده، و مسئولیت های کلیدی عهده دار شدند. شیخ مفید که همکاری در صورت تضمین منافع برای مبلغان و روحانیون را جایز شمرده و سید رضی و سید مرتضی با خلفای عباسی و آل بویه در

منافع شراب و دفع زیان های آن و قاعده می گساری بنویسد و این فرد کتابی در این زمینه نوشت و نام آن را «جام جهان نمای عباسی» نام نهاد (فلسفی، ۱۳۴۳، ص ۶۳۱).

### تظاهر شاهان صفوی به دین داری

تظاهر به دینداری و علاقه به مذهب دوازده امامی و نمود آن در تمامی اعمال و افعال شاهان صفوی از جمله مواردی است که در سفرنامه های آن عصر بدان پرداخته شده است. آغاز نامه های شاهان صفوی با عبارت هو، هوا... و عباراتی از قرآن حاشیه نامه های آنان را مزین می کرد (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۹۴-۴۹۲). یا مهرهای پایان نامه شاهان صفوی عباراتی بود که نشانگر توجه خاص این شاهان به امامان و مذهب شیعه بود. مثلاً مهر شاه عباس اول کلب آستان علی، مهر شاه سلیمان، سنجی به این مضمون بود که به حکم قانون سلیمان نایب امام و پادشاه واقعی جهان است. مهر شاه سلطان حسین. سنجی با این عبارت بود: «کمترین کلب امیرالمومنین سلطان حسین» به نظر می آید پادشاهان صفوی زیرکی و ذکاوت را در نقش مهرهای خودبکار بسته اند و آن اینکه وقتی خود را کلب آستان علی نامیده اند دیگر بسیاری از خلاف هایی را که با موازین مطابق نبود پذیرا نشده و به عهده نمی گیرند.

که مردمانش به قدر ایرانیان شیفته و دلباخته ی علم و هنر باشند و در تحصیل آن بکوشند. چرا که ایرانیان در هر شرایط و احوال به فراگرفتن معلومات تازه و کسب هنرهای جدید اهتمام می ورزیدند. حتی پیشه وران و کشاورزان از مطالعه کتابهای خوب غفلت نمی کردند. عموم مردم فرزندان خود را به تحصیل دانش و هنر می گماردند. به طوری که فرزندان خود را از پنج سالگی به مکتب خانه می سپردند و کوشش داشتند که آنان را وارد مدارس عمومی کنند. در آنجا معلمین نه تنها دستمزد نمی گرفتند بلکه به شاگردان شهریه نیز پرداخت می شد تا به قول شاردن فقر و ناداری مانع سواد آموزی نشود (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵-۱۵۹۴). شاردن چندین صفحه از سفرنامه خود را به تمجید از روحیه علم دوستی ایرانیان اختصاص داده است و می نویسد: «ایرانیان بر اطلاق استعداد و نیروی فکری خویش را صرف آموختن دانش و فرهنگ می کنند و دستیابی به علم و هنر را برترین آرمان های خود می دانند و در این زمینه به ترقیات علمی مهمی نایل آمده اند، پس از مسیحیان اروپا، سرآمد دانشمندان جهانند و از چینیان بسی پیشی گرفته اند. ایرانیان بطور کلی دانشمندان راگرامی میدارند و هرکه را به تحصیل دانش بکوشد شایسته و در خور آفرین و تحسین می شمارند و چندان برتکریم و تعظیم دانش و هنر می کوشند که گویی جان آنان سرشته به دوستداری علم و هنر می باشد.

ارتباط بودند. علامه حلی با همکاری های خود حاکمان مغول را به شیعه علاقمند کرد.

ب) گروهی از روحانیون با اعتقاد به جائر بودن حاکمیت صفوی همکاری با آنان را در هر شرایطی نفی کردند.

پ) گروهی از علما که به مقابله و برخورد با حاکمیت صفوی برخاستند (فرهانی منفرد، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰). آنچه در سفرنامه ها در این زمینه آمده بسیار مختصر است. شاردن به ملاکاظم نامی اشاره دارد که خانه او در محله سید احمدیان واقع بود و به گفته او عالمی مسلط به دین و صاحب کرامات بود. او به دلیل دائم الخمر بودن شاه عباس ثانی با وی به مخالفت علنی برمی خاست و در نتیجه به شیراز تبعید شد (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۸۵).

آنچه که محرز است حاکمیت صفوی نیز برای پیشبرد مقاصد خویش و جنبه های سیاسی حکومت، خواهان همکاری علما بود. وضعیت مذهبی جامعه و نفوذ علما در میان مردم از علل احترام شاهان به علما بوده است. چنانکه کمپفر احترام شاه به مجتهد را ساختگی و از روی ترس از مردم دانسته است (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۳۸).

### آموزش دینی

شاردن ایرانیان را به علت داشتن خصایص بلند و عالی که سبب توجه آنان به عالم ادبیات، هنر و علوم مختلف شده، ستوده و تجلیل کرده است. طبق گفته ی وی در سراسر اروپا کشوری وجود نداشت

## زیارتگاهها

کمپفر مقابر و به قول خود بقاع متبرکه را با دقتی که خاص اوست توصیف کرده است: «مقابر یا بقاع متبرکه از نظر تقدس و طرز ساختمان با مساجد به چشم و همچشمی برخاسته اند: حالت احترام و تعظیم ایرانیان برای چنین مقبره هایی حیرت آور است. به خصوص آن بناهایی که جسد اعقاب دوازده امام را در آنها دفن کرده اند و در نتیجه امامزاده نامیده می شدند مورد توجه خاص قرار دارند.. (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۳۲).

امامان شیعه زندگی خود را در آزار و اذیت گذرانده اند و اعقابشان نیز که اغلب به ایران گریخته اند نیز چنین عاقبتی داشته اند. قبور این امامزاده ها در دوره صفویه به بهترین وجه تجدید ساختمان و ترتیب شده اند...» (همان، ص ۱۳۴). و برای امامزاده ها از طریق وقف مزارع، دهات، گرمابه ها عواید مستمری بوجود آمده است. از محل این عواید، مخارج نگهداری ساختمانها، تهیه روغن چراغ و همچنین تأمین معاش متولیان و قاریان پرداخته می شود. (همان، ص ۱۳۵).

کمپفر در ادامه به تشریح ساختمان امامزاده ها و مقابر پرداخته و برجسته ترین، بزرگترین و زیباترین مقابر متبرک ایران را اول حرم امام هشتم در مشهد، حرم فاطمه معصومه در قم و سوم بقعه شیخ صفی اردبیل دانسته است (همان، ص ۱۳۵-۱۳۲).

با توجه به نوشته کمپفر مشخص می شود که این سیاح اطلاعات کافی درباره امامزاده ها و چگونگی و علل ورود آنها به ایران داشته و موقوفات آنها را مورد بررسی دقیق قرار داده است. کارری بنای حرم فاطمه معصومه را شرح داده و احترام آن را نزد شیعه ها به اندازه بقعه اردبیل ذکر کرده است. او که فردی را برای راهنمایی خود اجیر کرده بود و از قبر شاه صفی و شاه عباس دوم نیز در این مکان دیدن کرده و مقبره اصلی مورد احترام را مقبره فاطمه دختر امام حسین (ع) دانسته است (کارری، ۱۳۴۸، ص ۵۴-۵۵).

اشتباه کارری آشکار است که فاطمه معصومه دختر امام موسی کاظم (ع) را به امام حسین (ع) نسبت داده است. کارری از نظر تاریخی اشتباهات دیگری نیز در سفرنامه خود دارد.

## بست نشینی

«بست» به مفهوم مکان امن که افراد خطاکار برای درامان ماندن از مجازات بدان مکان ها پناه می بردند. بست نشینی پیش از صفویه نیز رواج داشته و بعدها نیز در وقایع تاریخی در سطح گسترده ای مطرح گردید.

معروفترین «بست ها» بست عالی قاپو بوده که هر پناهنده ای را امان می داد. اشخاصی که مجرم بوده و گناهیانی مثل عدم ادای قرض، فرار از مجازات حتی سوء قصد به مقامات کشوری داشتند

معتقدند خیرات برای مردگان باعث شادی روح اموات و رسیدن ثواب و خیرات برای آنان می‌شود

### اقلیت های دینی و مذهبی

#### اقلیت های دینی

در حوزه حکومت صفوی اقلیت های دینی شامل، زردشتیان، مسیحیان و یهودی ها است. مسیحیان ساکن در ایران عهد صفوی به جز بومیان و ایرانیانی که از مدتها پیش پیرو این دین بوده‌اند عده‌ای به عنوان مبلغ مذهبی، تاجر، نظامی و در نهایت سیاح به ایران وارد شده بودند. در این میان عده‌ای نیز کشیش بوده و با هدف تبلیغ و ترویج آیین مسیحیت از اروپا به ایران سفر کرده بودند یا در راس هیأت های اعزامی از کشورهايشان آمده بودند که هدفهایی را تعقیب می کردند. برخی از این سیاحان نسبت به اعتقادات مذهبی خود بسیار متعصب بودند و در خصوص مسایل مربوط به مسیحیان گاه اظهار نظرهای غیر معقول کرده اند. مبلغان مذهبی را می توان از جمله مهمترین گروههای مسیحیان در عصر صفوی دانست. اینان نسبت به جذب مسلمانان به دین مسیحیت بسیار علاقه مند بودند.

شاردن در سفرنامه اش از سکونت آگوستن ها در یکی از قصرهای سلطنتی در اصفهان سخن می‌گوید. ایشان با هدایای گرانبهایی به دربار شاه عباس اول آمدند و علاوه بر کسب اجازه اقامت یک نمازخانه نیز مطالبه کردند که در اختیارشان

می‌توانستند در آن پناهنده شوند و تا وقتی در آن پناه گرفته بودند کسی حق تعرض بدانها را نداشت و محل استراحت و آب و غذای کافی نیز در اختیار داشتند (اولئاریوس، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۰۷).

#### وقف

شاهان صفوی موقوفات زیادی وقف مراکز مذهبی مشهد و قم و عتبات در عراق کردند. در عهد شاه عباس اول این موقوفات سیر صعودی پیدا کرده و به اوج خود رسید. او در سال ۱۰۱۵ق تمام دارایی خود را با بناهای موجود در اصفهان وقف چهارده معصوم کرد (لویی بلان، ۱۳۷۵، ص ۲۵۰). و برای اداره آن موقوفات شخصی با عنوان «وزیر موقوفات چهارده معصوم» منصوب شد. این شیوه بعد از شاه عباس یکم نیز در دوره ی شاهان دیگر صفوی ادامه یافت و سبب توجه روزافزون بزرگان و درباریان واقشار دیگر مردم به این امر شد.

گورستان و زیارت مزار در گذشتگان نیز از جمله مواردی است که دون گارسیا در سفرنامه خود بدان اشاره کرده است.

عدم آشنایی دون گارسیا با فرهنگ دینی مردم در نوشته های وی آشکار است. زیارت اهل قبور که در فرهنگ دینی مسلمانان از مستحبات موکد است و خیرات برای گذشتگان که باعث تعجب سفیر اسپانیا شده و او تصور کرده که مواد خوراکی به اموات پیشکش شده است در حالیکه مسلمانان

قرار داده شد. هیأت دیگری نیز از فرقه "ژزوئیتها" در ۱۶۴۵ میلادی وارد ایران شد که از طرف پاپ پادشاه فرانسه حامل سفارش نامه هایی بود. این هیأت نیز یک هدف بزرگ سیاسی داشت. اینها پیشنهاد بزرگ و غیر قابل اجرایی ارائه دادند یعنی اتحاد فرانسه با ایران برای جنگ با دولت عثمانی. باید گفت که هیچکدام از سیاحان همچون ژان شاردن، جهانگرد نامدار فرانسوی در خصوص مبلغان مسیحی و شیوه های عمل آنها مطلب نیاورده است وی در مورد عملکرد مبلغان مسیحی که باعث می شد در بین ایرانیان محبوب گردند و مورد احترام واقع شوند گفته است: "مبلغان مسیحی برای اینکه از طرف ایرانیان پذیرفته شوند و در بین مسلمانان راه یابند به درمان بیماران و تیمار کردن محرومان و نیازمندان می پرداختند و در بین مردم با لباس بسیار ساده ظاهر می شدند .... روزگار را به ریاضت و عبادت می گذرانیدند و از هر جهت بسیار ساده و بی آرایش خود را نشان می دادند...." به اعتقاد شاردن این مبلغان مذهبی مسیحی کلیسای رم را مرکز عالم مسیحیت معرفی می کردند در حالی که همه اینها در ظاهر بود و این دعوی بدور از حقیقت بود. فردی مثل شاردن که اعتقادات مذهبی خاصی داشت در بیان رفتارهای مذهبی حاکمان صفوی و برخورد آنها با مسیحیان می گوید که حتی اگر آرامنه ایران خود را به سخنان این مبلغان مذهبی مشتاق و مفتون نشان می دادند فقط به خاطر استفاده از تسهیلاتی بود که از این طریق

نصیب آنها و فرزندانشان می شد که مهمترین آنها استفاده از حق تحصیل یا قبول وام یا درخواست استخدام بود چرا که در غیر این صورت حتی برای تهیه کتاب و لوازم التحریر هم با مشکلات جدی روبه رو بودند. همین جاست که می بینم میزان و شدت تعلقات خاطر یک سیاح به مسایل مذهبی چگونه می تواند رازهای پشت پرده را آشکار نماید.

آنگونه که از منابع برمی آید رفتار خوشایند شاه عباس اول با مسیحیان به دو علت عمده بود یکی به دلایل سیاسی و دیگری کنجکاوی او برای شناختن محیط و جوامع آن روزگار باعث این رویکرد شده بود. این رفتار خوب حتی مبلغان مسیحی را نیز به اشتباه انداخته بود. بویژه استقبال گرمی که از هیأت های اروپایی می کرد و اظهار ارادت و علاقه ای که به حضرت مسیح و مریم داشت باعث شده بود که روحانیون مذهبی نسبت به مسیحی شدن ایرانیان بسیار خوشبین باشند، حال آنکه این مبلغان مذهبی آنگونه که باید توانایی جذب نداشتند و به کلی فاقد ابزارهای گفتگو و سخنوری برای تحقق چنین اهدافی بودند. به نظر شاردن از بین هشتاد مبلغی که می شناخت فقط چهار نفر ایشان می توانستند با دانشمندان و علمای ایرانی بحث و گفتگو کنند چون به فارسی آشنایی نداشتند. از تغییر دین مسیحیت و گرویدن به اسلام در بیشتر سفرنامه ها ذکری شده است. نحوه



### جنگ حیدری و نعمتی

سفرنامه ها در مورد اختلاف بین مردم شهر مطالبی نوشته اند. این اختلاف مربوط به محلات مختلف از یک شهر بود که به طور کلی با نام اختلاف حیدری ها و نعمتی ها معروف است. شاردن می گوید نه محله تبریز به دو فرقه حیدری و نعمتی تقسیم شده است. وی این دو فرقه را با دو گروه گلف<sup>۲</sup> و ژیبلین<sup>۳</sup> در ایتالیا مقایسه کرده که باهم در جدال بوده اند (شاردن، ۳۷۴، ج ۲، ص ۴۷۶). این موضوع را دالسانداری که در زمان طهماسب از ایران دیدن کرده تایید و مدت شروع این خصومت را ۳۰ سال ذکر کرده است (سفرنامه های ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹، ص ۳۴۵).

کمپفر دشمنی بین دو گروه حیدری و نعمتی را صلیبی و بطنی دانسته و تمام شهرهای ایران را تقسیم شده بین طرفداران این دو فرقه می داند. در هر سال بین جوانان و مردم عادی از هر دو فرقه مسابقاتی انجام می گرفت و در پایان آن کار به جنگ و جدال بین دو طرف می انجامید که بدون دخالت داروغه شهر ممکن نبود از خونریزی ممانعت کرد. این برخورد در روز عاشورا شدت پیدا می کرد. کمپفر، شاه سلیمان را از طرفداران حیدری ها دانسته است. شاردن در مورد علت تقسیم شهر اصفهان به جوباره نعمت الهی و دردشت حیدری می گوید حیدری و نعمتی نام دو

نگرش و قضاوتی که سفرنامه نویسان به این موضوع داشته اند بیشتر اعتراضی و انتقادی است.

### اهل سنت

در عصر صفوی با رسمیت یافتن تشیع در ایران چنان تعصبی ایجاد شد که اهل تسنن آزادی عقیدتی خود را به کلی از دست دادند. چنانکه مردم به این اعتقاد رسیدند که اگر سنی و شیعه را با هم بجوشانند ذرات وجودی آنها با هم در نمی آمیزد (سانسون، ۱۳۴۷، ص ۲۰۷).

چنانکه اشاره کردیم این تعصب دینی رسمیت بخشیدن به تشیع در زمان شاه اسماعیل اول سبب تشدید اختلاف با حاکمیت عثمانی شد و تبلیغ بر علیه آن حکومت را در ایران شدت بخشید. دریابل می نویسد با وجود اینکه تفاوت مذهب ترک ها و ایرانی ها زیاد نیست، ولی ایرانیان فقط خود را مسلمان واقعی دانسته و دیگر فرقه ها را کافر می شمارند. دلیل انزجار آنان از ترک ها به علت تسخیر چندین ایالت از مملکت ایران است (دریابل، ۱۳۵۱، ص ۵۶). یک کشیش فرانسوی علت اصلی اختلاف ایرانیان با دیگر مسلمانان آسیا را در مسأله جانشینی پیامبر دانسته که ایرانیان امام علی و عثمانی ها در مقابل ابوبکر را جانشین واقعی پیامبر می دانند (نامه های شگفت انگیز، ۱۳۷۰، ص ۱۰۷).

<sup>۲</sup>-Gulphe

<sup>۳</sup>-jiblin

پادشاه قدیم ایران بوده که در دو بخش حکومت داشته اند. ساکنان یکی از آن بخش ها پیرو مذهب اهل سنت «یا طریقت ترکان» و اهالی دیگر معتقد به مذهب تشیع یا آیین ایرانیان بوده اند و نام نخستین رهبر تسنن در دشت، حیدر و در جوباره نعمت الهی، نعمت الله بوده است و این خصومت تا به امروز نیز در میان مردم باقی مانده و چنان ریشه دار است که در کلیه مجامع و مراسم رسمی و اعیاد همگانی رویارویی هم به دشمنی برخاسته و به بهانه پیشی گرفتن در مراسم ها و مجالس در میدان کهنه با هم به ستیز برخاستند.

### نتیجه گیری

مبلغان مذهبی، بازرگانان و سفرا درباره مسائل جامعه ایران مانند فرهنگ دینی مردم دست به قلم برده و مطالبی به یادگار گذاشتند که جزء منابع آن دوره به شمار می رود. نوشته های آنان آئینه ای است که در آن فرهنگ دینی آن روزگار منعکس شده است.

پرداختن به موضوعاتی از قبیل وضو، نماز، روزه، حج و نیز احکام فقهی مانند رعایت محرمات از نگاه سیاحان به علت تفاوت فرهنگی و مدت اقامت اندک برخی از آنان بسیار ناقص و نارساست ولی همین میزان نیز نشانگر تغییر محرز رفتارهای دینی مردم در جامعه ایران صفوی نسبت به قبل است. استفاده از مهرهای ساخته شده از خاک کربلا و نجف در نماز، احکام فقهی در خصوص حلالها

و حرام ها و نوع مجازات ها نشانگر تاثیرپذیری مقررات حاکمیت صفوی از فقه تشیع است. هر چند اختلافات بسیار آشکاری بین احکام و فقه شیعه و برخی از رفتارهای عملی و شدت مجازات در زمینه اعمال خلاف و جرم های مذهبی در جامعه به چشم می خورد، ولی در مجموع بیانگر نوعی رویکرد مقررات جامعه و مذهب شیعه است

تعطیلی حج در زمان شاه عباس اول و سوق دادن مردم به زیارت مشهد و عتبات عالیات عراق نیز بیانگر نظریه فقهای شیعه در باب حکومت اسلامی است. طبق این نظریه اگر حاکم اسلامی از انجام بعضی از امور دینی که از احکام ثانوی نامیده می شوند، احساس ضرر و زیان نسبت به مصالح حکومت که جزء احکام اولیه است داشته باشد، می تواند آن حکم ثانوی را برای مدتی تعطیل کند. واضح است که شاه عباس اول حاکم اسلامی به معنای حاکم شرع نبود، ولی قدرت مطلقه وی در آن زمان توانسته بود نفوذ مجتهدان جامع الشرایط در جامعه را تحت کنترل درآورد. این احتمال نیز بعید نیست که شاه عباس در این زمینه از فقیهان زمان فتوا گرفته باشد چرا که جلوگیری از خروج پول نقد از کشور به نفع حاکمیت پیرو تسنن حرام بود.

در بیان آیین های موجود در جامعه ایران عصر صفوی از قبیل جشن های مذهبی علاوه بر اختلاف نظر فرهنگی سیاحان با فرهنگ دینی رایج در ایران که باعث درک نادرست رفتارهای فرهنگی دینی جامعه شده است و متفاوت بودن دیانت آنها

است لیکن سیاحانی که این مراسم را گزارش کرده اند اغلب به کتابی در زمینه مصائب امام حسین اشاره دارند که به احتمال قوی روضه الشهداست. شیوه روضه خوانی و ذکر مصیبت آن گونه که در گزارش سیاحان آمده در زمان های بعد یعنی دوره قاجاریه و پهلوی و زمان حاضر نیز شبیه آن دوران است. در بیان تاریخ واقعه عاشورا برخی از سیاحان دچار اشتباهاتی شده اند. در این میان اولناریوس سیاح آلمانی موضوع را به نحو روشنی بیان کرده است.

در سوگواری های شخصی آمیختگی آیین مذهبی با سنت ها نمایان است چنان که حمل علم و کتل و خواندن قرآن نشانگر این موضوع است. سوگواری های شخصی در خصوص درگذشت پادشاهان یا افراد نزدیک به دربار صفوی گزارش شده و کمتر به رفتار مردم عادی در این زمینه اشاره شده است.

اعتقاد به موضوعات ماوراء طبیعی و خارق العاده در رفتار دینی مردم صفوی در سفرنامه ها بازتاب دارد در این مورد می توان به مواردی چون اعتقاد به دعا، تعویذ و باطل سحرها، اعتقاد به مقدسات، مانند توسل به امامان و پیامبران جهت برآورده شدن حاجات، بستن باطل سحر به گردن حیواناتی که در دربار نگهداری می شدند، پرداخت صدقه و اتفاق برای سلامتی شاه صفوی و بخشودن مالیات هایی که بر مردم بسته می شد پول گردانی به دور سرشاه مریض از جمله این اعتقادات است.

با مسلمانان که به راحتی نمی توانستند در مراسم مذهبی حضور پیدا کنند، تصویر بسیار نارسایی از عید فطر و غدیر ارائه کرده اند. نماز عید، رسم های معمول برگزاری آن و علت بوجود آمدن آن در فرهنگ دینی به روشنی بیان نشده و در حاشیه ی مطالب سفرنامه ها جای دارند.

تنها جزئیات مراسم عید قربان که چون همه ساله از طرف شاهان صفوی به صورت رسمی برگزار می شد در سفرنامه ها آمده است. رفتار دینی مردم در عید قربان و گرامی داشت قربان در این روز و اصرار مردم بر استفاده هر چند اندک از گوشت قربانی به عنوان تبرک در سفرنامه ها بازتاب دارد.

سوگواری های مذهبی دوران صفوی نمایانگر شکل گیری نوعی تعزیه ابتدایی به معنای امروزی است. راه اندازی دسته های عزاداری همراه با تابوت گردانی، نخل گردانی، زنجیرزنی، سنگ زنی، تیغ زنی و در برخی موارد قمه زنی و تمثال گردانی از ویژگی های فرهنگی این دوره است. بسیاری از این آیین ها ریشه در تاریخ پیش از اسلام ایران دارد. بزرگداشت شهادت قهرمانان دینی و ایمان به جاودانگی شهیدان در مراسم بزرگداشت شهادت امام حسین (ع) و امام علی (ع) تجلی یافته است.

سنت روضه خوانی که برگرفته از کتاب روضه الشهداء کاشفی است در مراسم عاشورا رواج می یابد. عنوان روضه خوانی در سفرنامه ها نیامده

سربرآورده در همان اوان ظهور سرکوب شد. همان طور که در سفرنامه شاردن بیان شده قدرت استبدادی شاهان صفوی و نوع اندیشه حاکم در میان مردم درباره پادشاه علت عدم شورش جدی در این دوران بوده است.

یادداشت های سیاحان به نوع برخورداردشاهان صفوی با محرمات شرعی، مستثنی بودن آنان از برخی از محرمات که در کتب اخلاقی جزء گناهان کبیره شمرده شده است و گزینش مصلحت های دیگر بر دین توسط شاهان صفوی اشاره دارند.

تشکیلات روحانیت، نهاد آموزش، زیارتگاه ها و خانقاه هایی که برای برآوردن نیازهای دینی، آموزشی و آرامش اجتماعی پدید آمدند یا از قبل وجود داشتند. در این دوره تقویت شده و نقش های دیگری را نیز عهده دار شدند. پیوندی که در زمان صفویه بین روحانیت و حاکمیت ایجاد شد با انتخاب صدر و مسئولیت های قضایی از میان روحانیان به اوج خود رسید. بخشی از قدرت اقتصادی حاکمیت به صورت تولیت موقوفه ها در اختیار روحانیت قرار گرفت. خویشاوندی برخی از روحانیان با حاکمیت و تأیید تاج و تخت شاهان صفوی توسط آنان به این قشر از روحانیان رسمی بخشید. پیدایش روحانیان برجسته به عنوان مراجع تقلید و مجتهدان جامع الشرایط که نیابت عامل امام مهدی (عج) را در زمان غیبت مختص به فقیهان می دانستند، به مذهب شیعه در جهت استقلال از حاکمیت، قدرت و توان زیادی داد و روحانیت را

با بررسی دین و سیاست در فرهنگ دینی مردم مشخص گردید که در ایران سده دهم هجری بر این اندیشه که شاه عامل نظم، مجری عدالت، فرمانده جنگ و ایجاد کننده رفاه اجتماعی است، عملاً تأکید می شد. صفویان از سنت های قدیمی ایرانیان استفاده کردند و با بهره گیری از این سنتها براقبتار پادشاهان به ویژه شاه اسماعیل اول افزودند. شاه اسماعیل در اشعار ترکی که می سرود، خود را علی (ع)، مهدی (ع) و حتی خدا قلمداد کرد و در میان پیروان خود که شیعیان غالی آناتولی بودند به عنوان رهبر کاریزماتیک مطرح شد. از زمان شاه طهماسب صفوی این گونه ادعاها کنار رفت و سه منبع مشروعیت برای شاهان صفوی تثبیت گردید، نایب امام غایب که بواسطه مجتهدی این عنوان را صاحب شدند انتساب به خاندان پیامبر (ص) بواسطه امام موسی کاظم (ع)، که با این نسبت خود را معصوم دانستند. مرشد کامل و رهبر صوفیان که در این خصوص بایستی مریدان آنها اطاعت بی چون و چرا از شاه صفوی داشته باشند. با این سه مثلث مشروعیت حکومت استبدادی شاهان به حد کمال خود رسید و این موضوع در گزارش سیاحان انعکاس یافته است.

شاه عباس اول ادعای مرشد کامل و دینداری داشت و قدرتش مافوق همه قدرتهای دیگر بود هر چند که روحانیت قدرت الهی سلطنت را به مبارزه طلبید، ولی قدرت مطلقه وی اجازه ظهور هیچ مخالفتی را نمی داد و اندک مخالفت هایی که

گرفتند. در ابتدا مناصب بالایی به آنها واگذار شد، ولی رفته رفته از نفوذ آنها کاسته شد و در شغل‌هایی مانند جاروب کشی نیز ظاهر شدند. در خصوص خانقاه‌ها، دراویش و صوفیان مطالب زیادی در سفرنامه‌ها وجود ندارد اکثر مطالب مربوط به اینان متعلق به فرقه‌های گمنام و دارویشی است که معمولاً از منزلت اجتماعی پایینی برخوردار بودند. در زمینه آیین و مراسم ویژه صوفیان نیز مطالب اندکی را برخی از سفرنامه نویسان ذکر کرده‌اند که بیشتر مراسم معنوی و سماع صوفیانه است که در بین اکثر صوفیان رایج بوده و نشانگر نوع خاصی از تصوف نیست.

وقف در دوره صفوی گسترش چشمگیری پیدا کرد و سیاحان نیز که از کارکردهای وقف سود فراوان می‌بردند این موضوع را در گزارش‌های خود منعکس کرده‌اند. وقف اموال به علل معنوی، امنیتی اقتصادی انجام می‌گرفت و مقاماتی مانند صدر رسیدگی به امورات وقفی را در دیوان وقف به عهده داشتند و هر زمان که اقتضا می‌کرد شاه از آنها خلع ید کرده و مسئولیت آن را عهده دار می‌شد و بدین وسیله درآمد سرشار حاصل از موقوفات را خود مدیریت می‌کرد.

ارتباط نزدیک سیاحان با مسیحیان خصوصاً ارامنه جلفا و توجه ساکنان جلفا به هم‌کیش‌های اروپایی خود سبب بیان روشنی از وضعیت اجتماعی، سیاسی آنان در سفرنامه‌ها شده است. سیاست تسامح مذهبی پادشاهان صفوی به ویژه

از جایگاه مشروعیت بخشی به پادشاهان صفوی بدرآورد و آن را در مقابل حاکمان قرار داد که در قرن‌های بعد این توان و قدرت را به ثبوت رساندند. اجرای قوانین شرعی، تعلیم و تربیت، سرپرستی اوقاف از نقش‌های گسترده روحانیت در عصر صفوی است. محدود کردن روحانیت در امورات جامعه و رعایت مجتهدان توسط شاهان صفوی نشانگر جایگاه قوی روحانیت غیر رسمی در میان مردم است.

زیارتگاه‌ها در دوره صفوی بخشی از دین شد و تولیت آنها به عهده ماموران درباری قرار گرفت به علت تبلیغ تشیع توسط حکومت اکثر زیارتگاه‌ها در این عصر مرمت و بازسازی شد، و توجه عموم مردم بدان‌ها جلب شد چنان که در قبل از دوران صفویه مقابر بزرگان تصوف و صاحبان کرامت به شکل مسقفی ساخته شده و محل مراجعه مردم بود. پس از روی کار آمدن صفویان توجه مردم به مزار امامان و امامزاده‌ها بیش از پیش معطوف گردید و طبق گزارش سیاحانی مثل شاردن بقعه‌های زیادی علاوه بر بقاع معروف مشهد، قم و اردبیل در ایران به ویژه در اصفهان وجود داشت که هزینه اداره آنها مانند مدارس از موقوفات تأمین می‌گشت.

کار صوفیان و خانقاه‌ها پس از روی کار آمدن صفویان رو به زوال گذاشت و نقش آنها در جامعه به نقش بسیار حاشیه‌ای بدل شد و گروهی از آنها خصوصاً صوفیان در خدمت دربار قرار

بین مسیحیان ایران و سیاحان اروپایی بصورت مطلوب تری انجام گرفته و با مطالعه سفرنامه ها خواننده این موضوع را در می یابد.

در بررسی وضعیت اقلیت های مذهبی در سفرنامه های مفهوم تشیع و تسنن بخوبی روشن نیست. برخی از سیاحان اهل تسنن را ترک ها و اعراب و پیروان تشیع را ایرانیان دانسته اند و علت اختلاف آنها را در برخی موارد تصرف خاک ایران توسط عثمانی ها یا در موارد اندکی بر سرجانشینی پیامبر بیان کرده اند. اشتباهات تاریخی و عدم اطلاعات سیاحان از تاریخ اسلام در نوشته های آنان آشکار است. آنچه که آنها درک کرده اند اشتباهات تاریخی و عدم اطلاعات سیاحان از تاریخ اسلام در نوشته های آنان آشکار است. آن چه که آنها درک کرده اند اختلاف های فرقه ای است که در هر جامعه ای بین افراد و گروه ها وجود دارد آنان علت اختلافات را متوجه نشده یا اگر به این موضوع پی برده اند منبع آنان افراد آگاهی در این زمینه نبوده اند. به اختلاف حیدری ها و نعمتی ها در برخی از سفرنامه ها اشاره شده است. این موضوع نیز مانند اختلاف های مذهبی به درستی در سفرنامه ها بازتاب ندارد. اختلاف پیروان این دو گروه که در واقع پیروان دو مسلک از تصوف هستند در زمان صفویان از روی آگاهی یا نا آگاهی به تمامی شهرهای ایران کشیده شد و محلات هر شهری به دو دسته حیدری و نعمتی تقسیم شده اند که نزاع و اختلاف آنها بیشتر در مراسم و آیین های

شاه عباس اول و دوم باعث رونق زندگی آرامنه و توسعه کار مبلغان مذهبی شد. از میان آنان بازرگانان معروفی پا گرفتند و رابط بازرگانی ایران و اروپا شدند. در موضوعات دیگر نیز آرامنه به مانند پلی بین ایران و اروپا عمل کردند. سیاحان اروپایی که مسیحی بودند در سفر به ایران نامه ای از حاکمان محلی یا بلاواسطه از دربار صفوی می گرفتند که آزادی تردد در تمام ایران را به آنها می داد. امامزاده ها، ساختن صومعه، پوشیدن لباس مخصوص از تسهیلاتی بود که دربار به سیاحانی که پیشه مبلغی داشتند داد. پذیرش کشیش ها در شغل مترجم در دربار باعث شرکت آنان در تصمیمات سیاسی حاکمیت گشت و نقش حضور آنان در دربار برای هیات های سیاسی تجاری اروپایی بسیار مغتنم و مثمر ثمر بود. به طوری که آنان اختلاف های پیش آمده با هیات های اروپایی را با میانجی گری حل می کردند.

در سال های پایانی حاکمیت صفوی فشار بر اقلیت های دینی افزوده گشت. این موضوع در سفرنامه گروهی از کشیشان تشریح شده است. دیگر آزادی قبلی در میان نبود، حتی در برخی موارد برای خوار و خفیف کردن آرامنه احکامی از سوی پادشاه صفوی اعلام شد که بر طبق آن شغل های پست در اختیار مسیحیان قرار گرفت و محدودیت های دیگری که در فصل هفتم ذکر آن رفت. به طور کلی انعکاس وضعیت مسیحیان ایران در سفرنامه ها به علت وجود فرهنگ دینی مشترک

- سیلوا فیگوئروا، دن گارسیا (۱۳۶۳)، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

- سیوری، راجر (۱۳۸۲)، درباب صفویان، ترجمه رمضان غلی روح الهی، تهران: نشر مرکز.

- شاردن، ژان (۱۳۷۴)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: انتشارات توس.

- شوستر والسر، سیبلا (۱۳۶۴)، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپائیان، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- غروی، محمد (۱۳۵۰)، یادی از جهانگردان به نام خارجی و سفرنامه های ایشان تا اوایل قرن هیجدهم میلادی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۳۵.

- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۷)، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی تهران: انتشارات امیر کبیر.

- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۳)، تاریخ زندگانی شاه عباس اول، تهران.

فلور، ویلم (۱۳۵۶)، اولین سفرای ایران و هلند، تهران، کتابخانه طهوری.

- کاتف، فدت آفاناسیویچ (۱۳۵۶)، سفرنامه، ترجمه محمد صادق همایون فرد، تهران: انتشارات کتابخانه ملی.

- کارری، جملی (۱۳۴۸)، سفرنامه، ترجمه دکتر عباس نخجوانی و عبدالعلی کانگ، تبریز: نشر اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

برگزار شده در طی سال نمود پیدا می کرد. در برخی از سفرنامه ها شاهان صفوی را طرفدار این اختلاف ها ذکر کرده ولی علت این امر را بیان نکرده اند.

## منابع

- اولتاریوس، آدام (۱۳۷۹)، سفرنامه اولتاریوس، ترجمه حسین کردبچه، تهران: انتشارات هیرمند.

- تاورنیه، ژان باپتیست (۱۳۳۶)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، نظم الدوله، با تجدید نظر حمید شیرانی، اصفهان: کتابفروشی تاییدیه.

- دلاواله، پیتر (۱۳۸۰)، سفرنامه، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: نشر قطره.

- دریابل، ژرژتکاندر (۱۳۵۱)، ایتپرسیکوم گزارش سفارتی به دربار شاه عباس یکم ترجمه محمود تفضلی تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- سانسون، مارتین (۱۳۴۷)، سفرنامه (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)، ترجمه تقی تفضلی، تهران: انتشارات ابن سینا.

- سفرنامه برادران شرلی (۱۳۶۲)، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران، انتشارات آگاه.

سفرنامه های ونیزیان در ایران (۱۳۴۹)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.

- کروسینسکی، تادوزیودا (۱۳۵۳)،  
سفرنامه (یادداشت های کشیش لهستانی عصر  
صفوی، ترجمه عبدالرزاق دنبلی «مفتون» با مقدمه  
و تصحیح مریم میراحمدی، تهران: انتشارات طوس.  
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه  
کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.  
گیلانتر، پطروس دی سرگیس (۱۳۴۴) سقوط  
اصفهان، ترجمه محمد مهریار، اصفهان: امور  
فرهنگی شهرداری اصفهان.  
- کیانی، محسن، (۱۳۶۹)، تاریخ خانقاه در  
ایران، تهران: کتابخانه طهوری.س  
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۹)، حلیه المتقین  
تصحیح عبدالرزاق اعلمی، تهران: انتشارات  
باقرالعلوم .
- ممیره، میکله (۱۳۹۳)، سفرنامه (فرستاده ای  
به سوی فرمانروای صوفی ایران)، ترجمه ساسان  
طهماسبی، اصفهان: انتشارات بهتا پژوهش.  
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۳۴)، سازمان اداری  
حکومت صفوی یا تحقیقات و حواشی بر تذکره  
اللوک، ترجمه مسعود رجب نیا، با حواشی محمد  
دبیر سیاقی، تهران: انجمن کتاب.  
- میر احمدی، مریم (۱۳۶۸)، «اهمیت تاریخ  
سفرنامه های ایران» مجلد تحقیقاتی تاریخی،  
شماره سوم، سال اول.  
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۲)، دین و مذهب در  
عصر صفوی، تهران: انتشارات امیر کبیر.  
- نامه های شگفت انگیز از کشیشان  
فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه (۱۳۷۰)،  
ترجمه دکتر بهرام فره وشی، تهران: موسسه علمی  
اندیشه جوان.